



می خندم، می خندی، می رنجد...

داده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هیچ گروهی از شما گروه دیگر را مسخره نکند، شاید آن گروه بهتر باشند و... و از هم عیب‌جویی نکنید و لقب‌های زشت به یکدیگر ندهید.»

باید بیاموزیم

می‌شود خلق و خوی صمیمی و مثبت داشت. در جمع مهربان و بامزه و شوخ‌طبع بود و برای بامزه بودن به هر چیزی متوسل نشد و کسی را آزار نداد. همین‌جاست که باید بیاموزیم، برای در امان ماندن از تمسخر دیگران یکی از راه‌ها آن است که جمع‌هایی را برای رفاقت برگزینیم که این‌گونه مثبت باشند و از جمع کسانی که از چنین روحیه‌ای برخوردار نیستند، فاصله بگیریم؛ آدم‌های بی‌هویتی که به دلیل کمبود شخصیت از تخریب شخصیت دیگران لذت می‌برند.

ریشه تمسخر کجاست؟

از نظر روان‌شناسی، یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب می‌شود شخصی به خود جرئت دهد که به تمسخر دیگران بپردازد، خودبتریبینی و غرور و خودخواهی اوست. این روحیه باعث می‌شود که دیگران را کوچک بشمارد و به آسانی دیگران را دست بیندازد. اصلاً واژه‌های تمسخر «سخره» از واژه «سخر» به معنی چیرگی گرفته شده‌اند. یعنی کسی که دیگران را به سخره می‌گیرد، بر این باور غلط است که از نظر شخصیتی بر دیگران برتری و چیرگی دارد. همین روحیه از خود متشکر بودن است که باعث می‌شود، به راحتی دیگران را دست بیندازد و تحقیر کند. این نکته مهمی است که در همین آیه می‌بینیم به آن اشاره شده است: «عیسی ان یکتونوا خیراً منهم»؛ شاید ایشان از آن‌ها بهتر باشند. یعنی اگر این افراد به دیگرانی که آن‌ها را مسخره می‌کنند، خوب نگاه کنند، شاید آن‌ها را از خود بهتر و برتر ببابند. پس بهتر است دست از توهم بردارند و واقع‌بین باشند.

درمان تمسخر

می‌بینید که درمان ریشه‌ای این صفت منفی در بسیاری از موارد در توجه به همین نکته است. نباید خود را برتر از دیگران دانست. باید برای همه شخصیت قائل بود و به همه احترام گذاشت. باید همه قومیت‌ها را دوست داشت و دست از تحقیر برداشت. از شوخی‌هایی که در آن گویش‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام و نژادها به تمسخر گرفته می‌شوند، پرهیز کرد و همیشه و همه جا نگران زوال اخلاق در جامعه بود.

چه‌کار کنیم که شوخی‌هایمان باعث رنجش کسی نشود؟

دست انداختن دیگران

مسخره کردن و دست‌انداختن دیگران به هر شکلی که باشد، از بیان نقص‌ها و عیب‌ها گرفته تا نام‌گذاری‌ها، جک‌ها و ... پدیده‌ای است نابهنجار که از نظر دینی و اخلاقی به شدت ناپسند و مذموم است. چرا که از سویی تجاوز به حقوق و شخصیت دیگران محسوب می‌شود و عواقبی چون آزدگی، دشمنی و انتقام‌جویی را در پی دارد، و از سوی دیگر با وحدت و یکپارچگی جامعه در تضاد است.

هستند افرادی که برای مجلس‌آرایی و خندانند دیگران از آبرو و شخصیت دیگران مایه می‌گذارند. فرضاً به‌خاطر برخی خصوصیات فیزیکی و یا تظاهرات رفتاری هم‌کلاسی‌ها و دوستان، به‌عنوان شوخی و برای خندیدن، به مسخره کردن آن‌ها می‌پردازند. در حالی که شوخ‌بودن و شوخی کردن با دست انداختن دیگران و به دیگران خندیدن تفاوت دارد.

بخندیم و بخندانیم

درست است که دوستان چه بهتر که با هم روابط صمیمی و پر از شوخی و خنده داشته باشند، اما مگر این شرایط فقط با مسخره کردن دیگران پدید می‌آید؟! اتفاقاً یکی از خوش‌ترین لحظات يك رابطه دوستی زمانی است که دوستان بدون انگیزه آزاردهنده با یکدیگر تعامل داشته باشند. بخندند و بخندانند بدون اینکه به کسی آسیب بزنند یا کسی را ناراحت کنند. افراد باید بدانند که مسخره کردن نوعی پرخاشگری است. با رفاقت و مهربانی در تضاد است و به رابطه سالم میان دو دوست خدشه وارد می‌آورد.

قرآن چه می‌گوید؟

در آموزه‌های دینی نیز به شدت با این پدیده نابهنجار مبارزه شده است. قرآن کریم در آیه ۱۱ سوره حجرات به صراحت مؤمنان را از این کار پرهیز